



International Journal of Advanced Academic Studies

E-ISSN: 2706-8927

P-ISSN: 2706-8919

www.allstudyjournal.com

IJAAS 2020; 2(4): 409-412

Received: 10-08-2020

Accepted: 11-09-2020

شریفه میرزاخیل،

استاد دیپارتمنت فلسفه و جامعه

شناسی پوهنهی علوم اجتماعی

پوهنتون کابل

برابری جنسیتی در افغانستان

شریفه میرزاخیل،

چکیده

برابری جنسیت به معنی این است که زنان و مردان از حیثیت واحد برخوردار باشند. به خاطر وضع نابرابرکنونی، دستیابی به اهداف فوق بدون توسعه توانمندی زنان امکان پذیر نخواهد بود. هم موضوع برابری و هم توسعه توانمندی زنان هر دو برای دستیابی به امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی بسیار ضروری می باشند.

تساوی حقوقی جندر پروسه ای است که در طی آن فرصت ها، پیشرفت و انکشاف به طور مساویانه برای زنان و مردان فراهم گردد. یک طرز تفکر منصفانه این است که از عان گردد که زنان اغلباً در موقعیت مناسب قرار ندارند تا بتوانند مثل مردان از فرصت ها و امکانات، به طور درست استفاده نمایند و برای جبران این نابرابری و تأمین انصاف و عدالت برای زنان، باید اقدامات عملی و مؤثری برای تقویة خود اعتمادی، ظرفیت ها و تجارب زنان صورت گیرد. داشتن یک دید منصفانه جندر در واقع وسیله ای است برای رسیدن به برابری جنسیتی.

کلمات کلیدی: جنسیت، برابری، کلتور، رویکرد، آداب، نظام، جنسگرایی.

مقدمه

برابری جنسیت به معنی این است که زنان و مردان از شرایط و امکانات مساوی و به ظهور رساندن استعداد ها و توانمندی های بالقوه شان برخوردار باشند و آنان به طور مساویانه باید فرصت این را داشته باشند تا بتوانند در روند انکشاف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور شان سهم گرفته و نقش شان را ایفا نمایند و از نتایج حاصله این پیشرفت ها به طور مساویانه استفاده نمایند. مساوات و برابری جنسیتی برای انکشاف بشری و تأمین صلح بسیار ضروری می باشد.

برابری جنسیتی به معنی این نیست که مردان و زنان به صورت همدیگر درآیند و با هم یکی باشند، بلکه به معنی این است که فرصت ها و امکانات آنان مساوی باشند. تأکید داشتن روی برابری جندر و توسعه توانمندی های زنان به هیچ وجه در نظر ندارد تا یک مدل واحد از تساوی و توسعه توانمندی های زنان را در تمام جوامع و فرهنگ ها ارایه نماید، بلکه این تأکیدات در واقع نوع نگرانی را منعکس می کند تا یقین حاصل شود که زنان و مردان از فرصت ها و انتخاب مساوی برخوردار می باشند تا بتوانند در دستیابی به اهداف انکشافی، به طور مشترک تلاش نمایند.

شریک کردن تجارب در مورد نقش زنان و مردان در تصمیم و کارهای مختلف تشخیص موانعی که زنان به آن در وقت تصمیم گیری مکمل مواجه می شوند، خصوصاً در پرو گرام های انکشافی. فکر کردن در مورد استراتژی برای دریافت تساوی متوازن جنس در اتخاذ تصمیم گیری و یا کار دیگر. تقویه تشکیلات زنان، بلا بردن سطح سواد در میان آنان را در تعاملات مؤثر با مردان در سطح جامعه افزایش داده ایجاد نوع سهمیه برای زنان در پست های خدمات ملکی. حمایت از مشارکت سیاسی و تشویق والدین در فرستادن دختران شان در مکاتب. ایجاد نوع تغییرات در دستگاه ها، سبب شد تا زنان نیز بتوانند در کار خانه ها و فابریکات محصولات و تولیدات داشته باشند.

پیشینه تحقیق

در طول تاریخ دیده شده است که همه انسان ها چه زنان و چه مردان روی کره زمین سکونت اختیار نموده و زندگی را به صورت اجتماعی به سر می برند و در عین حال ضرورت دارند تا زندگی اجتماعی داشته و به شکل دسته جمعی زیست نمایند تا دست به دست هم داده به کار و

Corresponding Author:

شریفه میرزاخیل،

استاد دیپارتمنت فلسفه و جامعه

شناسی پوهنهی علوم اجتماعی

پوهنتون کابل

کوشش اجتماعی پر داخه و از محصول زحمات خویش بهره مند شوند. تردیدی نیست که زنان در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شان بالایی برخوردار نبوده و غالباً مورد بی مهری، ظلم و ستم واقع می شدند اما با رشد روز افزون آگاهی های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می توان حقوق از دست رفته زنان را استیفاء کرد. در این راستا به یقین می توان گفت که ادیان الهی به ویژه دین اسلام، بیش از همه به احیای شخصیت والای زن حمت گماشته اند و خداوند متعال بهترین راه را برای سعادت و رستگاری بشر اعم از زن و مرد فراروی آنان گشوده است

جامعه افغانستان یک جامعه سنتی است در این جامعه انواع قبیله و عشیره با مذاهب متفاوت و سنت های گوناگون زیست دارند. در فرهنگ های مختلف، عنعنه های ناپسند وجود دارد که در جامعه افغانی نهادینه شده و حقوق زنان با مردان در تناقض دیده می شوند. تحقیقاتی که صورت گرفته، آثار و مقالات کمتری در زمینه وجود دارد، که گویای برابری جنسیتی باشد، لذا ضرورت است تا در این مورد تحقیق صورت گیرد و به این مسئله پرداخته شود.

روش تحقیق

روش تحقیق که در تهیه و تکمیل این مقاله از آن استفاده شده است، تحقیق توصیفی-تحلیلی بر مبنای استفاده از مدارک و مطالعات کتابخانه ای می باشد. با توجه به این که موضوع این مقاله تحقیق جامعه شناسی می باشد روش گرد آوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه ای بوده و در این مقاله تلاش صورت گرفته حتی المقدور با مراجعه به آثار و منابع معتبر علمی، ژورنال ها و سایر ماخذ های جدید و معتبر علمی جهان در زمینه برابری جنسیتی اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری نموده به تحلیل گرفت تا این مقاله تحقیقی به پایه اکمال و تمام برسد.

برابری جنسیتی

برابری جنسیتی بدان معنی است که زن و مرد حقوق و وظایف یک سان دارند و از همه فرصت های مساوی در جامعه برخوردار هستند. همچنین برابری جنیتی مربوط به عدالت و تقسیم مسؤلیت ها است؛ هم در جامعه و هم در خانواده. اگر جنسیت مانع از آن شود که ما بتوانیم نقاط قوت و ضعف فرد را ببینیم، این امر می تواند به تبعیض و فرصت های محدود برای فرد منجر شود. همچنین برابری جنسیتی به باور فیمینیستی گفته می شود که هدفش عموماً حذف نابرابری های جنسیتی، مرد سالاری و جنسینگرایی است. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد برابری جنسیتی را نخستین حق انسانی خوانده است. برابری جنیتی همچنین به عنوان یکی از اهداف برنامه توسعه بی در سازمان ملل متحد انتخاب شده است (داریوش: 34).

مفهوم برابری جنسیتی

وقتی که از کلمه جنسیت نام برده می شود عبارت است از نقش و مسؤلیت های افراد جامعه مثل: زنان و مردان، دختران و پسران در جامعه می باشد. نقشی که از طرف روابط اجتماعی، کلتوری، مذهبی، سیاسی و اقتصادی برای افراد جامعه داده می شود عبارت از همان جندر است. «جندر عبارت از قواعد و اصولی است که از طرف جامعه تهداب گذاری شده که وظایف، مسؤلیت ها و نقش های افراد جامعه (زن و مرد) را تعیین

می نماید. عوامل سازنده این ساختار ملیت، مذهب، رسم و رواج ها، کلچر و عنعنات می باشد. جندر به شیوه عملکرد و طرز تفکر، سلوک و رفتار ارزش های اجتماعی مربوط به زنان و مردان ارتباط می گیرد که توسط اجتماع تعیین می شود» (محسنی: 4).

جندر یک موضوع اجتماعی بوده و به نقش و مسؤلیت های زنان و مردان ارتباط می گیرد که از نظر اجتماعی تعیین می شود یعنی نقشها و روابط جندر فطری و ذاتی نبوده لذا قابل تغییر است. برابری جندر این است که زنان و مردان از حقوق دسترسی به مشاغل، آزادی ها و فرصت های مساوی برخوردار باشند. زنان و مردان به طور اختصاصی باید هیچ امتیاز با اساس مرد بودن و زن بودن نباشد. هدف از برابری جنسیت این است که زنان و مردان از حقوق شان مستفید شده و به طور مساویانه از امتیازات انکشافی بهره مند گردند و هر گز از اجرای کاری که برای یک زندگی کامل و رضایت بخش، مناسب، خوب و ضروری باشد منع نشوند.

تساوی جنسیتی و عدالت جنسیتی

تساوی جنسیتی، به معنای شرایط یک سان برای زنان و مردان، جهت تحقق کامل حقوق انسانی خویش و توانمندی در زمینه های رشد و انکشاف ملی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنان استفاده مساویانه از دست آورد های موارد فوق می باشد که این برابری به منظور انکشاف بشری و صلح امری است ضروری. تساوی جندر مستلزم استفاده برابر زنان و مردان از ارزش های اجتماعی، فرصت ها، منابع و امتیازات می باشد که به معنای یک سان شدن زنان و مردان نبوده؛ بلکه به منظور فراهم آوری فرصت ها و زمینه های مساوی در زندگی شان می باشد.

عدالت جنسیتی

عبارت از پروسه منصفانه بودن با زنان و مردان است. زنان و مردان نه تنها دسترسی مساوی به منابع و فرصت های مساوی داشته باشد بلکه باید از این برابری نیز بهره مند شوند. این جایی است که مفهوم عدالت جنسیتی عرض وجود می کند. عدالت جنسیتی روش عادلانه در برخورد به زنان و مردان باشد، نیز مد نظر می گیرد (یویس: 35).

نقش های جنسیتی

نقش ها و عملکرد های افراد «مردان و زنان» با توجه به چیزی که جوامع شان از نظر فرهنگی برای شان مناسب و مقتضی می دانند، متفاوت می باشد. در مجموع می توان نقش ها را به سه گروه کلی تقسیم نمود:

الف. نقش تولدی (باروری)

در بر گیرنده مسؤلیت های بدنیا آوردن، پرورش اطفال و وظایف خانگی تعهد شده از سوی زنان می باشد که در تضمین نگهداری و تولید نیروی کار امر الزامی می باشد. این نقش، تنها شامل تولید بیولوژیکی نمی شود بلکه شامل حمایت و نگهداری از نیروی کار (شوهر و فرزندان شاغل) و نیروی کار آینده نیز می شود این ها وظایفی است که عمل به آنها توسط مردان در افغانستان، به طور سنتی یک عمل ننگین برای شان به حساب می آید. به طور مثال: می تو ان شستن لباس یا نظافت خانه را نام برد (یوسفزی: 20).

ب. نقش تولیدی

نقش تولیدی شامل کار انجام شده توسط زنان و مردان به منظور دریافت معاش یا جنس می باشد، این نقش در بر گیرنده تولید بازار، همراه با یک ارزش مبادله ای و هم تولید خانگی معیشتی، با یک ارزش کار بردی حقیقی و افزون بر این، یک ارزش مبادله بلقوه می باشد. البته در رابطه به میزان پرداخت همواره در حق زنان عدالت رعایت نشده است. در واقع یکی از دلایل ایجاد جنبش های فیمینیستی مزد کم از کار برای زنان در کار خانه ها بوده است.

ج. نقش مدیریت اجتماعی

نقش مدیریت اجتماعی از خانواده سرچشمه می گیرد. مسایل چون صرفه جویی، توجه به صحت در خانواده و در نهایت موضوعات بزرگتری که در اجتماع همواره مورد اجرا می باشد، شامل این بخش می شود.

تفاوت های جنسیتی

نسل بشر مشتمل بر دو جنس یعنی زن و مرد می باشد که از جمله آن نیم از باشندگان زمین ما را زنان تشکیل می دهد و برای بقای نسل بشر موجودیت هر دو جنس ضرور است. زیرا که برای به دنیا آمدن نوزاد حجات هر دو جنس لازمی پنداشته می شود. لذا در این جا در یک جامعه ای سازگار و طبیعی نقش هر دو جنس درخور اهمیت است. با وجود این که زن و مرد در بسا جهات زندگی با هم مشابهت های دارند. ولی تفاوت های نیز میان شان موجود است. تفاوت های آن قرار ذیل می باشد:

1. تفاوت های بیالوژیکی، از قبیل بدنیا آوردن نوزادان و تغذی آنها توسط شیر مادر که تنها زنان آنرا انجام داده می توانند.
2. تفاوت های خاص تقسیم کار بین زن و مرد.
3. تغذی بهتر و مورد توجه بیشتر قرار دادن پسران از طرف والدین.
4. در اکثر کشور ها دختران، نسبت به پسران باید بیشتر کار کنند.
5. پسران وقت اضافی بیشتر برای سرگرمی دارند. آنها همچنان تمایل دارند تا نسبت به دختران علم بیشتر بیاموزند، حتی در خانواده های که تعلیم و تربیه مهم تلقی می شود اکثراً به طور مشهود چنین در نظر است که پسران باید اولتر تعلیم یافته شوند.
6. قوانین اخلاقی و اجتماعی در برابر زنان نسبت به مردان شدیدتر است.

(در این مقاله روی مسائل چون مفهوم جندر، برابری جنسیتی، اختلافات و تفاوت ها بحث صورت گرفته است. چون بررسی حقوق مساوی زنان در جامعه افغانی با توجه به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می تواند به عنوان یک مسئله مهم قابل بحث پنداشته شود که زیادت در محیط های آکادمیک علمی قابل بحث است. از طرف دیگر این معضل اجتماعی به دلیل این که عمدتاً در محیط های تاریک، محیطی که از سواد و علم بی بهره اند، اعضای خانواده زن را به عنوان جنس دوم می دانند به خاطر این که سنت های قدیمی نهادینه شده، در ادارات دولتی شاهد نقض حقوق زنان هستیم که در دولت های جهان سوم علت نقض حقوق مساوی زنان نبود امنیت شهروندان، قلج

اقتصادی و نبود سواد کافی و همچنان گردش در محور عقاید مرد سالاری است. در این مقاله بررسی شده که ریشه های این نابرابری و عوامل آن در چه می باشد.

حق مالکیت

(بر طبق قانون مدنی و شریعت اسلامی کشور زنان از حق خرید و فروش املاک، تجارت، اقدامات قانونی برای کسب حق رای، مشارکت در امور سیاسی برخوردار می باشند. از جمله «مهمترین حقوقی که اسلام برای زنان قابل است حق میراث است» (یوسفزی: ۱۳۸۹).

گر چند سهم یک خواهر از ارث نصف سهم یک برادر است ولی در عین حال یک خواهر مسؤولیت نگهداری والدینش را بدوش ندارد ولی برادرش این مسؤولیت را دارد. از این لحاظ تفاوت در کمیت ارث بین زن و مرد وجود دارد. ولی این تفاوت قسمی که قبلاً گفته شد دلیل خود را دارد و به هیچ صورت به معنی امتیاز و یا تبعیض نیست.

مثلاً یک مرد موظف است تا بر علاوه والدینش، از خانواده و همسرش و فرزندانش نیز حفاظت نماید و وسایل زندگی آنان را فراهم نماید اما یک زن این مسؤولیت ها را ندارد، اگر یک زن نخواهد هزینه و مصارف اطفال و خانواده را بپردازد کسی نمی تواند او را به این کار مجبور نماید چون این وظیفه وی نیست بلکه وظیفه شوهر می باشد.

نقش زنان در مقایسه با مردان

تمام نقش ها و وظایف زنان در مقایسه با نقش ها و وظایف مردان را حکیمانه و با درایت تمام و با رویکرد به توانایی ها، ذاتیات، فطرت و روحیه زنانه به عهده زن گذاشته است (اگر از بعضی نقش ها و احراز برخی پوست ها زن را معاف کرده، باز هم جانب زن را رعایت کرده و خواسته بار سنگین مسؤولیت های سخت را از دوش وی بردارد، تا سختی وظایف و مسؤولیت ها با نقش ها و وظایف و مسؤولیت های اولیه زن که هم مطلوب خودش است و هم نیاز خانواده، تضادی نداشته باشد و زن با فکر آسوده تر بتواند کانون خانه را با حضور ثمربخش اش پر طراوت و آرام بخش نگهدارد و در پرتو این آرامش همسر و فرزندانش نیز بتوانند وظایف، مسؤولیت ها و نقش های شان را بهتر ایفا کنند. (سوره لقمان) (اسحاقی: ۱۴).

تحلیل داده ها

در این مقاله تحقیقات روی مسائل برابری جنسیتی، صورت گرفته است. چون بررسی برابری جنسیتی در جامعه افغانی با توجه به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می تواند به عنوان یک مسئله مهم قابل بحث پنداشته شود که زیادت در محیط های علمی قابل بحث است.

مسئله توزیع نقش ها و مسؤولیت ها در جامعه افغانی، هیچ گاه از توازن برخوردار نبوده است. این تقسیمات حتی در میان مردان به گونه عادلانه نبوده و اکنون نیز این روند ادامه دارد. زنان در گذشته های دور، در روند حکومت داری دخیل نبوده اند. در سطوح اجتماعی نیز فعالیت ها محدود بوده، نه مردان و نه زنان هیچ کدام از آزادی عمل در عرصه های مختلف برخوردار نبودند.

چون تقسیمات جنسیت یا جندر یک مسئله اجتماعی بوده لذا از یک اجتماع تا اجتماع دیگر همچنان نظر به زمان و مکان از همدیگر فرق می کنند. از این که جندر فطری یا ذاتی نه بلکه

کسبی بوده لذا دایمی و ثابت حفظ نشده. واضح است که تغییر پذیر می باشد.

در جنوری سال ۲۰۰۲ اعلامیه توسط حامد کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان به امضا رسید که تساوی میان زنان و مردان، حراست مساوی از نظر قانون، تعلیم و تربیه در همه زمینه ها، آزادی گشت و گذار، آزادی بیان و مشارکت سیاسی را تضمین می نماید.

مناقشه

شرایط کنونی زندگی انسان ها و تحولات عظیم علمی و فرهنگی در جوامع امروز تغییرات مناسب را در توانایی افراد جامعه به وجود آورده است. عصر جنگ و شمشیر، خشونت و توانایی جسمی به تاریخ پیوسته است. در عصر حاضر توانایی و قدرت در روابط افراد جامعه و فامیل به کسانی تعلق می گیرد که از آگاهی و دانش معاصر برخوردار باشند.

اگر زن از ایفای نقش اجتماعی محروم شود، از رشد اجتماعی او کاسته می شود و جامعه ای که زنان آن از رشد فکری و اجتماعی محروم باشند، مسلماً جامعه ای رشد یافته ای نخواهد بود. (جامعه از آحاد انسان های تشکیل می شود که با تربیت ها و فرهنگ های متفاوتی از خانواده ها شکل می گیرند و وارد اجتماع می گیرند. این ها در تعامل با هم، آداب، سنت ها، نظام ها و قانون های خاصی را به وجود می آورند که در اثر پیوند با یکدیگر، ماهیت اجتماعی پیدا می کنند) (خلخالی: 22)

امروزه می بینیم که تشدید نوگرایی در مصرف، کار حساب شده استعمار گران و امپریالیست ها است در کشور مافغانستان جریان دارد. گرایش های که به شکل غلط در مصرف تجملات و مد گرایی که اقتصاد جامعه را ضعیف ساخته و فرصت را برای مهاجمان فرهنگی محیا می سازد. در حال حاضر در کشور ما افغانستان در یک عروسی بیشتر از ۴۰۰۰۰ هزار دالر مصرف می شود این مصارف البته از توان بسیار اندک افراد جامعه است ولی اکثر افراد جامعه زیر خط فقر قرار دارند نباید اقلیت سرمایه داران را بر اکثریت فقرا ارجحیت داد این دور از قانون و نقض صریح اسلامیت اند بناً تلاش باید کرد تا جلو فرهنگ های ناپسند را گرفته و حقوق متوازن را تطبیق نمایم تا این که مرد و زن از حقوق مساوی برخوردار شوند.

نتیجه گیری

از یافته های پژوهش حاضر چنین استنباط می شود که انسان ها همه از یک زن و مرد آفریده شده اند و برای تشکیل جامعه هم زن سهیم است و هم مرد و روال طبیعی چنان است که بدون یکی از آنها جامعه بشری به وجود نمی آید و هر دو به معاونیت یکدیگر نیازمند اند. خانواده که از بنیاد های جامعه بشری به حساب می آید نیز متشکل از زن و مرد است. همانگونه که مرد مطابق به طبیعت خویش دارای مسؤولیت های در خانواده می باشد زن نیز طبیعتاً مسؤولیت های داشته و نظام خانواده را به یاری هم سامان می دهند.

در بینش و جهان بنی اسلامی زن و مرد از جهات بسیاری باهم برابر و یک سان اند. در ماهیت و سرشت وجودی تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و هر دو از گوهر انسانی مشترکی برخوردار اند. انسانیت محور تقسیم زن و مرد است. زن و مرد هر دو به طور مشترک از روح الهی برخوردار اند. همچنین زن و مرد در هدف غایی آفرینش، اشتراک دارند نه آن که یک

جنس، محور اصلی هستی باشد و جنس دیگر فرعی و یا طفیلی و هیچ کدام مقدمه وجود دیگری نیست. در استعداد ها و قابلیت ها، هر دو جنس زن و مرد از استعداد های مشترکی همچون استعداد کمال یابی، فضیلت خواهی، قرب به خدا، انحطاط و سقوط برخوردار اند. هدف خلقت زن و مرد هر دو عبودیت و بندگی خدا (ج) است، از نظر کسب ارزش ها، نیز هر دو در یک رتبه هستند. زن بودن و مرد بودن در کسب ارزش ها تأثیری ندارد، اما این برابری در کمالات و دستیابی در مقامات معنوی و انسانی، بنده گی و تعبد الهی و کرامت وجودی انسان بر سایرین است نه در احکام و وظایف.

منابع و ماخذ

- اسحاقی، سید حسین. (۱۳۸۷). تأملی بر پیکره و پیامد های فیمینیسم، مجله رواق اندیشه، تهران: انتشارات اندیشه، شماره ۴۴.
- بادغیسی، سمیه محمد داود میر. (۱۳۸۸). خشونت خانوادگی، عوامل و راهکار های مقابله با آنها. کابل: انتشارات شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر.
- بخاری، محمد اسماعیل () حدیث بخاری شریف، اسلام آباد: انتشارات قصه خوانی پشاور.
- تحقیقات مفصل وزارت احیا و انکشاف دهات با کمک دفاتر خارجی در افغانستان.
- خلخالی، علی ربانی. (۱۳۷۵). مبانی حقوق در اسلام. تهران: انتشارات حجت.
- نیا، محسنی. (۱۳۸۸). زن از دیدگاه ملک الشعراء بهار. تهران: انتشارات معروف.
- یوسفزی، نور جهان. (۱۳۸۹). حقوق زن در اسلام و قوانین افغانستان (حق میراث). انتشارات مشاورین مدیریت و بازار یابی افغان (ای ام سی) کابل.
- دیویس، نریوال (1393). جنسیت و ملت. ترجمه خلیل رستم خانی. کابل: بنیاد آرمان شهر.
- داریوش، ابراهیم (1398). درآمدی بر جنبش زنان در افغانستان پس از طالبان. کابل: پرند.
- آبوت، پاملا و والاس، کلر (1380). جامعه شناسی زنان، ترجمه نجم عراقی، تهران: نی.